



آندیسوا سِتاره‌ی فوتبال

 Eden Daniels Eden Daniels Abdul Rahim Ahmad Parwani (Darakht-e Danesh Library) 2 دری

آنديسوا چنڊ پسر را در حلِ جزي فوتبال تهته گرد. او آرزو داشت
كه بتواند آن ه را همراهي كند. او از مربي پُرسيد كه آي مي تواند
در آن ه تمرين كند.

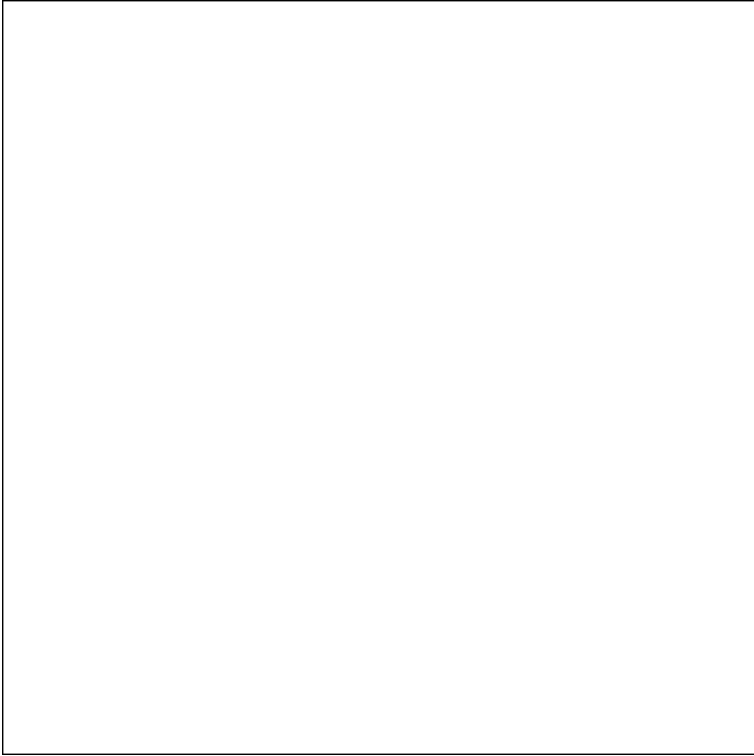
مربی دسندنش را روی کمرش گذاشت و گفت: “در این مکتب، فقط پسره اجزهی فوتبالِ جزی دارند.”

پسره به او گفتند برو بسکتبال بازی کن. آن‌ها گفتند بسکتبال برای
دخترهست و فوتبال برای پسره. آندیسوا آندوهگین شد.

روزِ بَعْدِ، آن مکتبِ یَکِ مُسَدِّقِہِی بزرگِ فوْتبَلِ داشت. مُرَبِّی نِگَران
بود چون بَہْتَرینِ هِزیکُنْش مَریض بود وَ نِمی توانستِ هِزی کُنْد.

آنديسوا به سَمَتِ مُرَبِّي دَوِيد وِ الْتِهَسِ كَرْدِ كِه به او اِجْزِهِي اِجْزِي
بِدَهَد. مُرَبِّي مُطْمِئِن نَبُود كِه چِه كَرِي اَنْجَم بِدَهَد. سِيسِ تَصْمِيمِ
كِرْفَت كِه آنديسوا مي تَوَانَد تيم را هَمْرَاهِي كُنَد.

بزی سختی بود. هیچکس آن نیمه‌ی بزی گل نَرده بود.



دَر جَرِّينِ نيمه يِ دُوْمِ هِزِي يِكِي اَز پِسَرِه تُوپ رَا بَه اَنديسوا پِس
داد. اَنديسوا بَ شُرْعَتِ خِيَلِي زَيِد بَه سَمَتِ دَرِوازِه حَرَكَتِ كَرْد. او
مَحَكَم بَه تُوپ ضَرِبِه زَد وَ تُوپ كُ شُد.


تَهْتِچینِ بِسیرِ هیجن زده شُدند. اَز آن زهنِ به بَعْد، دُختره هَم
اِجزه‌ی هِزی فوِتبلِ دَر مکتبِ را پیدا کَرَدند.




Global Storybooks

globalstorybooks.net

آندیسوا ستاره‌ی فوتبال

 Eden Daniels

 Eden Daniels

 Abdul Rahim Ahmad Parwani (Darakht-e Danesh Library)

